

غلامحسین مصاحب؛ "استاد بی همتا"



بهزاد کشمیری پور

۲۱ مهر ۱۳۸۸، سی‌امین سالروز درگذشت غلامحسین مصاحب، معرف ریاضیات جدید و پایه‌گذار دانشنامه‌نویسی علمی به زبان فارسی است. او از برجسته‌ترین دانشمندان تاریخ معاصر به شمار می‌رود و علم و فرهنگ در ایران بسیار مدیون اوست.

غلامحسین مصاحب، در سن ۶۹ سالگی هنگامی که مشغول غلطگیری آخرین صفحه‌های نمونه‌ی چاپی کتاب «تئوری مقدماتی اعداد» بود، سخته کرد و درگذشت. شاید این اتفاق غم‌انگیز جلوه‌ای از زندگی این دانشمند پر تلاش را آشکارتر کند؛ تحصیل و آموزش علم و دانش محور و بنیاد تمام فعالیت‌های مصاحب بود که از نوجوانی آغاز شد و بدون وقفه تا آخرین نفس ادامه یافت.

جستن و آموزش دانش از گهواره تا گور

غلامحسین مصاحب در خانواده‌ی اهل فرهنگی بالید که به گفته‌ی برادرش محمود «شخصیت فرهنگی و اجتماعی آنان به ۳۰۰ سال پیش باز می‌گردد.» علاقه‌ی فراوان او به آموختن در همان سال‌های کودکی و نوجوانی مشهود بود. مصاحب دبیرستان را به عنوان شاگرد اول تهران، دو سه سال زودتر از زمان معمول، و در شانزده سالگی تمام کرد.

او سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در تهران، پاریس و لندن ادامه داد و در سال ۱۳۲۷ مدرک دکترای ریاضیات را از دانشگاه کمبریج انگلستان گرفت. یکی از نقاط اوج دوران تحصیل دانشگاهی او پذیرفته شدن به حلقه‌ی شاگردان خاص برتراند راسل فیلسوف و ریاضی‌دان نامدار بود. راسل که صدها نفر در کلاس‌های عمومی‌اش حضور می‌یافتند، از میان با استعدادترین آنها پنج نفر را برای فراگیری در کلاس‌های ویژه‌ی خود برمی‌گزید.

مصاحب در بیست سالگی، سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰، با انتشار «مجله ریاضیات عالی و مقدماتی» گام‌های موثری در ترویج ریاضیات جدید در ایران برداشته بود. دو کتاب «مدخل منطق صورت» (۱۳۳۴) و «مدخل آنالیز ریاضی» (۱۳۴۸) ریاضیات نوین را در ایران بر پایه و اساس دانش روز جهان معرفی و استوار کرد.

«تئوری مقدماتی اعداد» که جلد اول آن در سال ۱۳۵۳، و جلد دوم آن پنج سال بعد منتشر شد، همراه با دو اثر یاد شده، مجموعاً نزدیک به پنج هزار صفحه را در بردارند. چنین کار عظیمی برای کسی که به شهادت همه‌ی کسانی که از دور و نزدیک با او آشنا بودند، دقت و وسواس بی‌اندازه‌ای در پژوهش‌های علمی داشت، به معنای تلاشی شبانه‌روزی و طاقت‌فرساست.

دانشنامه‌نویسی؛ صعود به قله‌ی فرهنگ

به رغم شهرت و اعتباری که مصاحب به عنوان یکی از دانشمندان علوم ریاضی در جهان داشت، بسیاری از ایرانیان او را بیشتر به عنوان پایه‌گذار دانشنامه نویسی با روش علمی در ایران می‌شناسند. اواسط دهه‌ی سی خورشیدی غلامحسین مصاحب به پیشنهاد موسسه انتشارات فرانکلین سرپرستی تالیف یک دائرة المعارف فارسی را بر عهده گرفت. این نخستین کتاب از این نوع بود که در ایران با روش علمی و معیارهای پذیرفته شده‌ی بین‌المللی منتشر می‌شد.

بسیاری از صاحب‌نظران شیوه‌ی به کار گرفته شده در این دانشنامه را الگویی برای کارهای پژوهشی و تنظیم آثار علمی ارزیابی می‌کنند. همکاران مصاحب در دانشنامه و دیگر فعالیت‌های دانشگاهی، همچون دانشجویانی که زیر نظر او به تحصیل و تحقیق پرداخته‌اند معتقدند که سهم او در ترویج روش‌های علمی کمتر از نقش او در شناساندن ریاضیات جدید و پایه‌گذاری دانشنامه‌نویسی نوین نیست. علاقه و تسلط مصاحب به فرهنگ و ادبیات فارسی و دانش گسترده‌اش از فلسفه و علوم روز غرب به او امکان داد در حوزه‌های دیگر نیز دانشمندی پرتاثیر و مهم باشد.

از معرفی خیام ریاضیدان تا روزنامه‌نگاری سیاسی

یکی از کارهایی که با سرپرستی مصاحب و در کنار تالیف دائرة المعارف انجام می‌شد، وضع واژه‌های جدید فارسی برای مفاهیم و واژه‌های غربی بود. حاصل این تلاش‌ها از جمله انتشار "فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی" در سال ۱۳۳۸ است.

غلامحسین مصاحب در ۲۸ سالگی کتاب "جبر و مقابله خیام" را از عربی به فارسی ترجمه و منتشر کرد. این نخستین معرفی خیام به عنوان ریاضیدان در یک اثر مستقل به فارسی محسوب می‌شود. مصاحب چند سال بعد با انتشار "حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر" گام مهمی دیگری در این راه برداشت. او مدتی نیز در سال‌های پس از خاتمه جنگ دوم جهانی با انتشار روزنامه "برق" به روزنامه‌نگاری سیاسی رو آورد. فرید قاسمی در مقاله‌ای که در شماره ۳۷ مجله بخارا منتشر شد، به بررسی کارنامه روزنامه‌نگاری مصاحب پرداخته است. بنابر این گزارش روزنامه برق که از مرداد ۱۳۲۲ کار خود را آغاز کرد، به دلیل انتشار مقاله‌های انتقادی و تند در مورد سیاست‌های دولت بارها توقیف شد.

مصاحب در یکی از یادداشت‌های خود در مورد توقیف این روزنامه نوشته است: «در مملکتی که جزای خیانت پادشاه و مستمری و سزای دزدی منصب و مقام است، آنان که حقایق را بی‌پرده می‌گویند و می‌نویسند باید منتظر مشت و تودهنی باشند و پیه توقیف را به تن بمالند.»

او در یادداشتی به مناسبت طرح لایحه‌ای در مورد مطبوعات در مجلس نوشت، بالاترین و «مقدس‌ترین حقوق ملت آزادی قلم و بیان است.» او به نمایندگان مجلس یادآوری می‌کند که سوگند یاد کرده‌اند به حقوق

ملت خیانت نکنند و به مردم هشدار می‌دهد «چشم باز کنید و خانین بهحقوق مردم و کشور را بشناسید!»

آموزگار بی‌همتای روشمندی

اغلب کسانی که با مصاحب همکار یا از شاگردان او بودند، بر نقش او در تحولی که در آموزش عالی به وجود آورد اشاره کرده‌اند. هرمز همایون‌پور در مقاله‌ای که تابستان ۱۳۸۸ در مجله "نگاه نو" منتشر شد می‌نویسد، تا پیش از دهه‌ی چهل خورشیدی در دانشگاه تهران «از آنچه درباره نقش اصلی دانشگاه می‌گویند که آموختن روش تحقیق است خبر چندانی نبود.»

به گفته‌ی وی، اصول این کار را از مصاحب و اوایل دهه‌ی چهل آموخته است. داریوش آشوری که خود از پژوهشگران معتبر معاصر است، در همان شماره "نگاه نو" مصاحب را «آموزگار روشمندی» و از چهره‌های استثنایی دانش‌آموختگان ایرانی به فرنگ رفته می‌خواند. آشوری این جایگاه استثنایی را به علت رسیدن به چیزی می‌داند که «فرانسوی‌ها "روح علمی" می‌نامند که گوهر جویندگی و پویندگی علمی مدرن است.»

داریوش آشوری در ستایش از جایگاه مصاحب می‌نویسد: «آنچه من می‌توانم گواهی کنم و از نزدیک شاهد آن بوده‌ام، این بود که او، در میان ما، با دست یافتن به روح علمی استاد بی‌همتای آموزش روشمندی بود. از این جهت هیچ کس را نمی‌شناسم که با او همسری تواند کرد.»

در سه دهه‌ی گذشته به مناسبت‌های مختلف در مورد تسلط مصاحب به چند زبان خارجی، دانش گسترده‌اش در زمینه‌ها و علوم مختلف، و کارهایی که او پایه‌گذاشت سخن بسیار گفته شده. نکته‌ای که همه‌ی شاگردان و همکاران او بر آن تاکید دارند همین «استاد بی‌همتا» بودن او در تمام حوزه‌هایی است که به آن‌ها وارد شد.

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,4782555,00.html>